

روگرفت از کتاب کشف النعمه ی اربلی کندوکاو در منابع کتاب الفصول المهمه ی ابن صباغ مالکی

منصور داداش نژاد^۱

چکیده: ابن صباغ مالکی (۷۸۴-۸۵۵ ه.ق)، از جمله ی نویسندگان سنی سده ی نهم هجری قمری است که کتابی در زمینه ی زندگانی دوازده امام^(ع)، با عنوان *الفصول المهمه فی معرفه الائمه* نوشته است. وی در تدوین این کتاب به طور گسترده از نوشته ی دانشمند شیعی سده ی هفتم هجری قمری، علی بن عیسی اربلی (م. ۶۹۲ ه.ق) با عنوان، *کشف النعمه فی معرفه الائمه* استفاده برده، اما در سراسر متن نوشته ی خود هیچ یادی از او نکرده است. دو احتمال در باره ی مقصود وی از به کارگیری این شیوه محتمل است: ۱. پیش گیری از متهم شدن به تشیع و از استناد افتادن کتاب، و یا حفظ اصالت کتاب، ۲. متهم نشدن به رونویسی از کتابی دیگر. در این مقاله ضمن بررسی مآخذ مستقیم و غیر مستقیم مورد استفاده ی ابن صباغ، روشن خواهد شد که وی در استفاده از منابع شیعی پرهیزی نداشته و از این گونه منابع در کتاب خود بارها یاد کرده است؛ بنابر این، کنمان وی در یاد کردن از منبع اصلی خویش، به منظور القای اصالت نوشته ی خود به خواننده بوده است.

واژه های کلیدی: *الفصول المهمه*، *کشف النعمه*، ابن صباغ مالکی، اربلی، منابع سنی، منابع شیعی، دوازده امام، اقتباس

۱. استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه m.dadash@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۰/۷/۱۵ تاریخ تأیید: ۹۰/۱۰/۵

Investigation on the Resources of Ibn Sabbagh

Maleki's Book: *al – Fosul ul – Mohemmah*

Mansor Dadash Nejad¹

Abstract: Ibn Sabbagh Maleki (784 -855 A.H) is one of the Sunnite writers of 9th century who has written a book by the title of *al – Fosul ul – Mohemmah fi Marefat ul - A'emmah* in the field of the Twelve Imams' (PBUT) lives. In compilation this book, he has benefited extensively from the writing of a Shiite learned man in 7th century, Ali b. Isa Arbeli (D.622 A.H.), by the title of *Kashf ul – Ghommah fi Ma'refat ul - A'emmah*, but he has not mentioned him all over his book. So, two probabilities are likely about his purpose using above method: 1. Preventing from being accused to be a Shiite and being lost the book its value as a reliable source, and or protecting his book originality; 2. Not to be accused of copying from another book.

In this essay, along with studying the direct and indirect resources used by Ibn Sabbagh, will reveal itself that he has not avoided himself using the Shiite resources, because he has frequently mentioned such sources in his book. Therefore, his refusing to mention his main sources has been to suggest his writing originality to the readers.

Keywords: *al – Fosul ul - Mohemmah*, *Kashf ul - Ghommah*, Ibn Sabbagh Maleki, Arbeli, Sunnite Resources, Shiite Sources, Twelve Imams, adaptation

1 Assitant professor of the research instituted of Seminary and University, m.dadash@yahoo.com

مقدمه

کتاب‌های بسیاری از سوی نویسندگان اهل سنت در باره‌ی امامان با دامنه‌ی محتوایی یک امام، اهل بیت و یا دوازده امام، نوشته شده است. این کتاب‌ها علی‌رغم این که گاه به دیدگاه شیعیان در باره‌ی امامان نزدیک می‌شوند، اما در موضوعاتی همچون امامت دینی، عصمت و علم گسترده‌ی امامان، با منابع شیعی اختلاف دارند. این نگارش‌ها، ائمه را به عنوان علمای ابرار معرفی می‌نمایند، که البته بی‌بدیل نبوده و در میان اهل سنت نیز دانشمندانی هم‌طراز آنان یافت می‌شود؛ چنان که در نقل احادیث مربوط به فضائل امام علی^(ع)، مانند حدیث منزلت، حدیث وصایت، حدیث غدیر و دیگر احادیثی که شیعیان نقل می‌کنند، هیچ مشکلی نداشته و همه‌ی این موارد را نقل کرده‌اند؛ اما در تفسیر و مراد آن با شیعیان اختلاف دارند. کتاب الفصول المّهّمه‌ی ابن صباغ مالکی نیز در شمار این گونه آثار است که نویسندگان در تدوین آن، وام‌دار منابع شیعی است و به صورت گسترده از منبعی شیعی بهره برده است. تأثیر و تأثر میان منابع شیعی و سنی پیوسته بر قرار بوده و منحصر به یک طیف نبوده است؛ چنان که نویسندگان شیعی برای اثبات ادعاهای خویش و الزام رقیب بدانچه خود معتقداند، گاه به صورت گسترده به کتاب‌های اهل سنت مراجعه کرده و با تمسک به محتوا و مطالب آن کتب، در نقل فضائل و مناقب ائمه تلاش نموده‌اند، و نمونه‌ی آن کتاب کشف الغمّه اربلی است، که بنایش در نگارش زندگانی دوازده امام، مراجعه و تکیه بر منابع اهل سنت بوده است.^۱

کتاب الفصول المّهّمه تاکنون چندین بار مورد بررسی قرار گرفته است. حسین عبدالمحمّدی از نظر محتوا و به‌ویژه مطالبی که با عقاید شیعیان ناسازگار است؛^۲ و جويا جهانبخش از نظر منابع و چاپ، این کتاب را مورد بررسی قرار داده‌اند،^۳ اما تتبع و کندوکاو کاملی در خصوص بررسی منابع و اصالت آن، که این مقاله عهده‌دار آن است، صورت نگرفته است.

نویسنده و محتوای کتاب

نویسنده‌ی کتاب الفصول المّهّمه، علی بن محمد بن احمد غزی مکی، مکنّی به نورالدین و مشهور به ابن صباغ است، در سال ۷۸۴ ه‍.ق در شهر مکه به دنیا آمد، در همان شهر بالید و تحصیلات

۱ علی بن عیسی اربلی (۱۴۲۱)، کشف الغمّه فی معرفه الائمه، تحقیق سید احمد الحسینی، قم: منشورات شریف رضی، ج ۱، ص ۲۹.

۲ نک: حسین عبدالمحمّدی (۱۳۸۲)، «نقد و ارزیابی کتاب الفصول المّهّمه فی معرفه الائمه»، مجله‌ی تاریخ در آیین‌های پژوهش، ش ۳، صص ۱۵۹-۲۰۶.

۳ نک: جويا جهانبخش (۱۳۸۱)، «تألیفی رنگ آمیز و تصحیحی شوق انگیز»، مجله‌ی آینه میراث، ش ۱۸ و ۱۹، ص ۴۴.

علمی خود را ادامه داد و در سال ۸۵۵ ه‍.ق در همان شهر دیده از جهان فرو بست. ابن صباغ، فقیهی مالکی مذهب بود. برخی از کتاب‌های تألیف شده توسط ابن صباغ عبارت‌اند از: *الفصول المَهْمَة فی معرفة الاثمه، العبر فیمن شَفَّه النظر، تحریر النقول فی مناقب ائمتنا حواء و فاطمة البتول، العقود اللؤلؤیه و اللآلی الثمینیه فی فضائل العترة الامینیه، قصائد فی مدح امیر المؤمنین*^(۱).

کتاب *الفصول المَهْمَة* شامل شرح حال دوازده امام است. ابن صباغ در مقدمه‌ی کتاب، علاوه بر پیامبر، بر اصحاب و ازواج آن حضرت درود می‌فرستد.^(۲) انگیزه‌اش از تألیف را، درخواست دوستان خویش و به منظور تکفیر گناهان گذشته می‌نویسد و از این که عده‌ای بیمار با دیدن این کتاب، وی را به «رفض» متهم کنند، ابراز نگرانی می‌کند،^(۳) و برای رفع این اتهام و به منظور جستن همراهان، به نقل اشعاری از شافعی در باره‌ی محبت به اهل بیت می‌پردازد، که بر اساس نگاه ظاهری، می‌باید او را هم «رافضی» و هم «ناصبی» دانست؛ زیرا هم فضائل علی و هم فضائل ابوبکر را نقل کرده است. همچنین، ابن صباغ به نوشتار نسائی (م. ۳۰۳ ه‍.ق)، با عنوان *خصائص*، در موضوع فضائل علی و شعر ابوبکر بیهقی (م. ۴۸۵ ه‍.ق، صاحب سنن) استناد می‌کند و بدین وسیله در صدد است تا پیشنهادی برای اقدام خود در گردآوری فضائل ائمه نشان دهد.

او در این کتاب تحت تأثیر اندیشه‌های شیعی در باره‌ی امامان قرار دارد. القاب و تعبیری که برای امامان به کار می‌برد، همچون نویسندگان شیعی است.^(۴) چنان که در بررسی زندگی هر امام، مطالبی از یکی از اهل علم نقل می‌کند که با اندیشه‌های شیعی درباره‌ی امام یکسان است. او می‌گوید: امام عالم غیب را در عالم شهادت می‌بینند، معارف و علوم ایشان در زمان پیری بر زمان ولادت افزونی ندارد.^(۵) وصیت امام باقر^(ع)، به امام صادق^(ع) را، وصیت آشکار و با نص جلی ذکر می‌کند^(۶) و موضوع وصایت از پدر به پسر را از امام صادق به بعد پی می‌گیرد و

۱ در باره‌ی نویسنده و کتاب نک: شمس الدین محمد سخاوی [بی‌تا]، *الضوء اللامع لاهل القرن التاسع*، ج ۵، بیروت: دار مکتبة الحیاء، ص ۲۳۸؛ عبد العزیز طباطبایی، (۱۴۱۷)، *اهل البيت فی المکتبة العربیه*، قم: آل البيت، ص ۳۴۸؛ مصطفی بن عبد الله حاجی خلیفه، [بی‌تا]، *کشف الظنون*، ج ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ص ۱۲۷۱؛ عمر رضا کحاله (۱۴۰۹)، *معجم المؤلفین*، ج ۷، بیروت: دار حیاء التراث، ص ۱۷۸.

۲ علی بن محمد بن صباغ مالکی (۱۴۲۲)، *الفصول المَهْمَة فی معرفة الاثمه*، تحقیق سامی الغیری، ج ۱، قم: دار الحدیث، ص ۷۸.

۳ همان، ج ۱، ص ۱۰۵.

۴ همان، ج ۲، ص ۷۵۶. اندیشه‌ی مربوط به معرفی باب برای امام در بین پیروان تشیع امامی رواج نداشته و از متون غلات به متون امامیه‌ی شیعه اثنی‌عشری سرایت کرده است. این اندیشه در کتاب‌هایی همچون *هدایة الکبرای خصیصی و دلائل الامامه‌ی طبری* پی‌گیری شده اما کتاب‌هایی همچون *الارشاد* شیخ مفید و *اعلام الوری* طبرسی بدین موضوع توجه نکرده و بدان نپرداخته‌اند.

۵ همان، ج ۲، ص ۷۶۳.

۶ همان، ج ۲، ص ۹۰۹.

بر آن تأکید می‌ورزد.^۱

علی‌رغم نزدیکی دیدگاه‌های ارائه شده در کتاب، با دیدگاه شیعیان، برخی نظرات مندرج در کتاب با دیدگاه‌های مرسوم نویسندگان شیعه همخوان نیست، مانند: گزارش اختلافات میان امام حسن^(ع) با پدرشان امیرالمؤمنین؛^۲ پیشنهاد صلح امام حسن به معاویه؛ لزوم پیروی از سیره ی خلفای راشدین، که در متن صلح نامه ی منعقد شده بین امام حسن و معاویه آمده است؛^۳ اعتراض امام حسین^(ع) به صلح برادر؛^۴ نقل گزارش‌هایی که نشان می‌دهد، یزید از قتل حسین براءت جسته است؛^۵ به کار بردن واژه ی صدیق از سوی امام باقر^(ع) برای ابوبکر، و نقل این سخن از امام که هر کس ابوبکر را «صدیق» نداند، خداوند متعال سخن وی را تصدیق نکند.^۶

شیوه و روش

ابن صباغ در ارائه ی مطالب، از سبک حدیثی پرهیز کرده و از آوردن احادیث با اسناد کامل دوری جسته است. وی تلاش نموده متنی یک‌دست ارائه کند؛ بنابراین، از آوردن اقوال مختلف در موضوع مورد بحث دوری می‌جوید و معمولاً گزارش مورد انتخاب خویش را ارائه می‌دهد. این سبک، در بررسی حوادث خلافت امام علی^(ع)، حادثه ی کربلا و ولایت‌عهده ی امام رضا^(ع)، که در سلک مباحث تاریخی‌اند، نمود بیش‌تری یافته است و نقل یک حادثه را تا به پایان رسیدن آن، بدون وقفه به پیش می‌برد. او در نقل مطالب از خود سلب مسئولیت کرده و پس از نقل گزیده ی اخبار، منابع خویش را مشخص ساخته و اعتبار و صحّت مطالب را بر عهده ی آن منابع، واگذار کرده است.^۷ وی، علی‌رغم این که پس از شرح حال امام علی^(ع)، فصلی را به شرح حال فاطمه ی زهرا^(س) اختصاص داده، اما همچون برخی دیگر از نویسندگان اهل سنت، هیچ گزارشی در باره ی حوادث پس از درگذشت پیامبر^(ص) و اختلافات حضرت فاطمه^(س) و ابوبکر ارائه نکرده است. ابن صباغ به مسائل ادبی علاقه‌مند بوده و پس از نقل مطالب، از اشعار نیز بهره گرفته است.^۸

۱ همان، ج ۲، ص ۹۱۲.

۲ همان، ج ۱، ص ۳۸۴.

۳ همان، ج ۲، ص ۷۲۹.

۴ همان، ج ۲، ص ۷۷۵.

۵ همان، ج ۲، ص ۸۳۴.

۶ همان، ج ۲، ص ۸۵۹.

۷ همان، ج ۲، ص ۸۵۰.

۸ همان، ج ۱، ص ۲۱۷.

منابع

مطالب مندرج در کتاب *الفصول المهمه*، به ویژه در باره‌ی ائمه‌ی پس از امام سجاد (ع)، نزدیکی بسیاری دارد با آنچه در منابع شیعی آمده است، و در نگاه اولیه چنین به نظر می‌رسد که ابن-صباغ مالکی به صورت گسترده از منابع شیعی استفاده کرده است؛ اما با بررسی مقایسه‌ای منابع ارائه شده در این کتاب با *كشف الغمّه*ی اربلی، به روشنی، اقتباس وی از کتاب *كشف الغمّه*ی اربلی آشکار می‌شود. ابن‌صباغ از منبع اصلی خویش به هیچ عنوان یاد نمی‌کند و می‌کوشد آن را همچون سری پوشیده نگاه دارد و به خواننده چنین القا کند که به منابع مذکور در کتاب، به صورت مستقیم دسترسی داشته است.

ساختار کتاب *الفصول المهمه*، همان ساختار کتاب *كشف الغمّه* است. عناوین انتخاب شده برای هر امام تقریباً همان عناوینی است که در *كشف الغمّه* آمده است. در زندگی هر امام ابتدا مولد، نسب و کنیه را می‌آورد و همان اطلاعاتی را که اربلی آورده است، درج می‌کند. ابن-صباغ، با پس و پیش کردن و گزینش مطالب مندرج در *كشف الغمّه*، همان منابع *كشف الغمّه* را، بدون یادکردن از اربلی، ذکر می‌نماید؛ به گونه‌ای که خواننده گمان می‌کند ابن‌صباغ تمام این منابع را خود دیده و به صورت مستقیم از آن‌ها نقل کرده است. برای نمونه، با مقایسه‌ی فصل مربوط به زندگانی امام علی النقی (ع) و زندگی امام حسن عسکری (ع)، در هر دو کتاب اربلی و ابن‌صباغ، به این نتیجه می‌رسیم که تمام اخباری که ابن‌صباغ آورده، با همان اسناد در *كشف الغمّه* موجود است. تنها در بررسی زندگی شخصی این دو امام، عنوان «صِفَتَه» را افزوده و در چند سطر درباره‌ی قیافه‌ی ظاهری آنان بحث کرده است،^۱ که این مطلب در کتاب *كشف الغمّه* موجود نیست.

ابن‌صباغ به گونه‌های مختلف تلاش کرده است از این اقتباس فراگیر رد پای بر جای نگذارد. در مواردی که اربلی از خود مطالبی با تعابیری، همچون «نقلت من کتاب ...»^۲، «قلت»، «صاحبنا»^۳ ذکر کرده است، که تصریح در نقل مستقیم دارد، ابن‌صباغ این تعابیر را حذف کرده و یا واژه‌های دیگری به کار برده است، تا گوینده‌ی آن معلوم نشود؛ مثلاً به جای واژه‌ی «قلت»، عبارت «بعض اهل العلم» را به کار برده است.^۴ برای نمونه، اربلی در پایان زندگی امام علی النقی (ع)،

۱ همان، ج ۲، صص ۱۰۶۴، ۱۰۸۱.

۲ اربلی، همان، ج ۲، ص ۱۴۱؛ مقایسه کنید با: ابن‌صباغ مالکی، همان، ج ۲، ص ۹۰۱.

۳ اربلی، همان، ج ۱، ص ۷۷؛ مقایسه کنید با: ابن‌صباغ مالکی، همان، ج ۱، ص ۵۹۸.

۴ ابن‌صباغ مالکی، ج ۲، ص ۱۰۷۳؛ مقایسه کنید با: اربلی، همان، ج ۲، ص ۳۹۹.

چنین نوشته است:

قال أفقر عباد الله تعالى إلى رحمته على بن عيسى أغاثه الله في الدنيا و الآخرة برحمته شرف مولانا الهادی (ع) قد ضربَ على المَجَرَّة قبابه ...^۱

ابن صَبَّاح مالکی این عبارت را چنین تغییر داده است: قال بعض اهل العلم: فضل ابی الحسن علی بن محمد الهادی قد ضرب علی المجرّة قبابه ...^۲

نمونه‌ی دیگر چنین است که اربلی در پایان زندگی امام حسن عسکری^(ع) گوید:
قلت: مناقب سیدنا ابی محمد الحسن العسکری دالّه علی انه السّریّ بن السّریّ ...^۳
ابن صَبَّاح همین عبارت را عیناً در پایان بحث راجع به زندگی امام حسن عسکری^(ع) آورده و فقط تعبیر «قلت» را حذف کرده است: مناقب سیدنا ابی محمد الحسن العسکری دالّه علی انه السّریّ بن السّریّ ...^۴

گاه اربلی برای نقل مطلبی، زمینه‌چینی نموده و در آغاز یا پایان بحث منابع مختلفی ذکر کرده که در الفصول المهمّه نیز به همان صورت و با همان منابع جمعی ذکر شده است.
در زیر به صورت موردی به بررسی منابع ابن صَبَّاح مالکی در الفصول المهمّه می‌پردازیم و در یاد نمودن از نمونه‌ها، به مواردی اندک بسنده می‌کنیم:

منابع با واسطه و غیر مستقیم ابن صَبَّاح

اعلام الوری طبرسی (م. ۵۴۸ ه.ق). مطالب نقل شده از این کتاب در باره‌ی امام حسن^(ع)، و امام رضا^(ع) است که این موارد به همان گونه و گاه با اندک تغییر در کشف الغمّه موجود است.^۵
شاهد بر این که ابن صَبَّاح به صورت مستقیم از اعلام الوری نقل نمی‌کند، در نقل شعر دعبل خزاعی کاملاً روشن می‌شود. ابن صَبَّاح شعر دعبل خزاعی در مدح امام رضا^(ع) را از طبرسی نقل می‌کند؛ و حال آن‌که بندهای بسیاری از شعر در اعلام الوری طبرسی موجود نیست،^۶ اما همین اشعار در کشف الغمّه در دو جا با افزوده‌هایی آمده است؛^۷ که ابن صَبَّاح با آمیختن این دو شعر،

۱ اربلی، همان، ج ۲، ص ۳۹۹.

۲ ابن صَبَّاح مالکی، همان، ج ۲، ص ۱۰۷۳.

۳ اربلی، همان، ج ۲، ص ۴۳۳.

۴ ابن صَبَّاح مالکی، همان، ج ۲، ص ۱۰۹۳.

۵ ابن صَبَّاح مالکی، همان، ج ۲، صص ۷۳۴، ۹۷۷؛ اربلی، همان، ج ۱، ص ۵۱۶؛ ج ۲، ص ۳۱۴.

۶ ابوعلی فضل بن حسن طبرسی (۱۴۱۷)، اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۲، قم: آل البيت، ص ۶۶.

۷ اربلی، همان، ج ۲، صص ۲۶۳، ۳۱۹.

و گزینش بندهایی از هر یک، سروده‌ی دعبل را سامان داده است. این در صورتی است که ابن-صباغ منبع شعر خود را به اشتباه طوسی (محتمل است این اشتباه مربوط به نسخ باشد)، نه طبرسی، ذکر می‌کند.^۱

الارشاد شیخ مفید (م. ۴۱۳ ه.ق). ابن صباغ دوازده مورد از کتاب ارشاد نقل می‌کند،^۲ که یازده مورد آن در کتاب کشف الغمّه موجود است.^۳ موردی که نشان می‌دهد ابن صباغ مستقیم به ارشاد مراجعه نکرده، مربوط به یاد از دو فرزند امام حسین (ع) است. او به نقل ارشاد، دو فرزند امام حسین (ع) را، «علی بن الحسین الاصغر» که نام مادرش شاه زنان بود،^۴ و «علی بن الحسین اکبر» مقتول در طف،^۵ یاد می‌کند. این مطلب به همین گونه در کشف الغمّه آمده است؛^۶ اما متن الارشاد به گونه‌ی دیگری است. مفید مادر «علی اکبر» (نه علی اصغر) را شاه زنان می‌داند و «علی اصغر» را مقتول در کربلا می‌نویسد (نه علی اکبر)،^۷ که این دقیقاً عکس آن چیزی است که در کشف-الغمّه و به تبع آن در الفصول المهمّه آمده است.

معالم العترة النبویه. از جمله‌ی منابع مورد استفاده‌ی ابن صباغ کتاب معالم العترة النبویه و معارف اهل البيت القاطمیه، نوشته‌ی حافظ ابو محمد عبدالعزیز بن اخضر جُنّابذی حنبلی (م. ۶۱۱ ه.ق)، است، که اینک در شمار کتب مفقود به شمار می‌رود. ابن صباغ در این کتاب مجموعاً شش بار از او نقل کرده است،^۸ که تمام این شش مورد عیناً در کشف الغمّه‌ی اربلی یافت می‌شود.^۹ برای نمونه، اربلی روایتی در باره‌ی جراحات علی (ع) در جنگ احد نقل کرده و پیش از آن، سروده‌ای از حجاج بن علاط را در باره‌ی شجاعت امام علی (ع) می‌نویسد که تبویب مطالب ابن صباغ نیز در یاد از این موضوع به همان گونه است.^{۱۰} همچنین ابن صباغ در زندگانی امام محمد جواد (ع)، به

۱ ابن صباغ مالکی، همان، ج ۲، ص ۹۸۱.

۲ ابن صباغ مالکی، همان، ج ۱، ص ۵۴۹؛ ج ۲، صص ۸۵۱، ۷۴۶، ۸۷۸، ۹۰۶، ۹۳۲، ۹۶۱، ۹۶۷، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۹۵. مقایسه کنید با: محمد بن محمد بن نعمان مفید (۱۴۱۳)، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۱، قم: کنگره شیخ مفید، ص ۲۳۷؛ ج ۲، صص ۲۰، ۱۳۵، ۱۵۷، ۱۷۶، ۲۱۵، ۲۴۴، ۲۴۷، ۲۹۷، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۳۹.

۳ اربلی، همان، ج ۱، ص ۵۷۵؛ ج ۲، صص ۳۸، ۱۲۳، ۱۷۶، ۲۱۹، ۲۳۶، ۲۶۹، ۳۷۶، ۴۰۴ (دو مورد)، ۴۴۵؛ یک موردی که در کشف الغمّه موجود نیست، سخنان امام در باره‌ی ویژگی‌های شیعیان است. نک: مفید، همان، ج ۱، ص ۲۳۷؛ و ابن صباغ مالکی، همان، ج ۱، ص ۵۴۹.

۴ ابن صباغ مالکی، همان، ج ۲، ص ۸۵۱.

۵ همان، ج ۲، ص ۸۵۲.

۶ اربلی، همان، ج ۲، ص ۳۸.

۷ مفید، همان، ج ۲، ص ۱۳۵.

۸ ابن صباغ مالکی، همان، ج ۱، صص ۳۳۳، ۵۸۵، ۶۷۴؛ ج ۲، صص ۷۶۱، ۹۴۱، ۱۰۵۱.

۹ اربلی، همان، ج ۱، صص ۹۳، ۱۹۸، ۵۰۸؛ ج ۲، صص ۱۳، ۲۱۳، ۳۴۶.

۱۰ ابن صباغ مالکی، همان، ج ۲، ص ۳۳۳؛ مقایسه کنید با: اربلی، همان، ج ۱، ص ۱۹۸.

طور گسترده سخنان امام جواد^(ع) از امام علی^(ع) را نقل می‌کند،^۱ که در کشف الغمّه نیز چنین است و سخنان به تفصیل نقل شده است.^۲

از بررسی موارد نقل شده از معالم العترة النبویه جنابذی در الفصول المهمّه و مقایسه‌ی آن با آنچه در کشف الغمّه آمده است این نتیجه به دست می‌آید که ابن صباغ مالکی مطالب را از کشف الغمّه گرفته، اما گاه ترتیب آن را به هم زده است و یا روایات پراکنده‌ی وی را پشت سرهم آورده است. برای نمونه، روایتی را در باره‌ی محبت علی از جنابذی نقل می‌کند. روایت بعدی را جنابذی از طبرانی نقل کرده است، که با فاصله‌ای از این روایت قرار دارد؛ اما ابن صباغ این دو روایت را پشت سرهم آورده است.^۳

حلیه الاولیاء ابونعیم اصفهانی (م. ۴۳۰ ه.ق). ابن صباغ، شانزده مورد از آن نقل کرده است.^۴ این موارد همه در کتاب کشف الغمّه به همان صورت یافت می‌شود،^۵ بجز یک مورد که مطلب نقل شده در کشف الغمّه و الفصول المهمّه تقریباً یکسان است؛ اما در فصول المهمّه^۶ به حافظ ابونعیم اسناد داده شده؛ اما در کشف الغمّه مطلب از کس دیگری نقل شده است که به نظر می‌رسد، ابن صباغ به اشتباه مطلب را به ابونعیم نسبت داده است. چند مورد آشکارا نشان می‌دهد که ابن صباغ از کتاب کشف الغمّه استفاده کرده است، نه از اصل کتاب ابونعیم. در یک مورد، اربلی سند روایت ابونعیم را نیاورده و گفته است: نقل الحافظ المذکور فی حلیته بسنده ...^۷ ابن صباغ در فصول المهمّه، نیز روایت را ذکر کرده، اما سند را نیاورده، و نوشته است: بسنده.^۸ در مورد دیگری اربلی پس از نقل حدیثی می‌نویسد: هذا سیاق الحافظ ابو نعیم و قال هذا هو المهدی و قفا بین الروایات.^۹ همین عبارت را ابن صباغ پس از نقل حدیث مورد نظر به کار برده و تکرار کرده است.^{۱۰}

۱ ابن صباغ مالکی، همان، ج ۲، ص ۱۰۵۱.

۲ اربلی، همان، ج ۱، ص ۹۳.

۳ ابن صباغ مالکی، همان، ج ۱، ص ۵۸۵.

۴ همان، ج ۱، ص ۶۹۹؛ ج ۲، صص ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۱۰، ۷۳۶، ۸۹۴، ۱۱۰۱، ۱۱۰۷، ۱۱۱۱ (سه مورد)، صص ۱۱۱۶، ۱۱۱۷ (دو مورد)، صص ۱۱۱۸، ۱۱۱۹.

۵ اربلی، همان، ج ۱، صص ۵۲۰، ۵۵۶، ۵۵۵، ۵۶۸، (مورد یافت نشده)؛ ج ۲، صص ۱۳۵، ۴۷۱، ۴۷۲ (دو مورد)، ۴۶۹ (دو مورد)، صص ۴۷۰، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۸۳، ۴۸۷.

۶ ابن صباغ مالکی، همان، ج ۲، ص ۷۳۶.

۷ اربلی، همان، ج ۱، ص ۵۵۶.

۸ ابن صباغ مالکی، همان، ج ۲، ص ۷۰۵.

۹ اربلی، همان، ج ۲، ص ۴۸۷.

۱۰ ابن صباغ مالکی، همان، ج ۲، ص ۱۱۱۸.

یک اشتباه فاحش ابن صباغ که نشان می‌دهد مطالب را عیناً از کشف‌الغمه برداشته، و نه از حلیه‌الاولیاء، چنین است: اربلی پس از نقل حدیثی می‌نویسد: قال هذا حدیث حسن آخرجه ابو-نعیم الحافظ. سپس عنوان دیگری چنین باز می‌کند: الباب الحادی عشر فی الرد علی من زعم ان المهدي هو المسيح بن مریم.^۱ ابن صباغ مالکی، پس از نقل حدیث، می‌نویسد: اخرجه الحافظ ابو-نعیم فی الرد علی من زعم المهدي هو المسيح.^۲ ابن صباغ، بدون توجه به این که اربلی عنوان جدیدی گشوده، مطلب پیشین را به مطلب بعدی وصل می‌کند، که صحیح نیست، زیرا روایت نقل شده‌ی پیشین در باره‌ی یکسانی عیسی و مهدی نیست.

در موارد دیگری نیز، ابن صباغ عین عبارات اربلی را تکرار می‌کند. اربلی پس از نقل حدیثی، می‌نویسد: قال (گنجی شافعی): هذا حدیث حسن عال رواه الحفاظ فی کتبهم، فاما الطبرانی فقد ذكره فی المعجم الاوسط و اما ابونعیم فرواه فی حلیه‌الاولیاء و اما عبد الرحمان بن حماد فقد ساقه فی عوالیه؛^۳ همین عبارت و با همین ترکیب منابع، در الفصول‌المهمه تکرار می‌شود.^۴

صفة‌الصفوة ابن جوزی (م. ۵۹۷هـ). ابن صباغ از این کتاب، پنج بار مطالبی را نقل می‌کند که تمام موارد یاد شده عیناً در کتاب کشف‌الغمه موجود است. یکی از مواردی که به روشنی نشان می‌دهد، ابن صباغ مطالب را از کشف‌الغمه برداشته، موردی است که داستان شقیق بلخی و امام کاظم^(ع) نقل می‌شود. اربلی، پس از نقل داستان شقیق بلخی و امام کاظم^(ع)، می‌نویسد:

قلت القصة التي أوردها عن شقيق البلخي قد أوردها جماعة من أرباب التأليف و المحدثين ذكرها الشيخ ابن الجوزي رحمة الله في كتابيه إثارة العزم الساكن إلى أشرف الأماكن و كتاب صفة-الصفوة و ذكرها الحافظ عبد العزيز بن الأخضر الجنازدي و حكى إلى بعض الأصحاب أن القاضي بن خلاد الرامهرمزي ذكرها في كتابه كرامات الأولياء.^۵

این عبارت با تغییراتی در الفصول‌المهمه تکرار شده است. متن ابن صباغ چنین است: و هذه الحكاية رواها جماعة من اهل التأليف و المحدثين، رواها ابن الجوزي في كتابه مسير العزم الساكن إلى أشرف الأماكن و رواها الحافظ عبد العزيز الاخير الجنازدي في كتابه معالم العترة النبوية و رواها الرامهرمزي قاضي القضاة في كتابه كرامات الأولياء و غيرهم.^۶ اربلی چون خود

۱ اربلی، همان، ج ۲، ص ۴۸۳.

۲ ابن صباغ مالکی، همان، ج ۲، ص ۱۱۱۶.

۳ اربلی، همان، ج ۲، ص ۴۸۴.

۴ ابن صباغ مالکی، همان، ج ۲، ص ۱۱۷.

۵ اربلی، همان، ج ۲، ص ۲۱۶.

۶ ابن صباغ مالکی، همان، ج ۲، ص ۹۴۲.

کتاب کرامات الاولیای رامهرمزی را ندیده، بنابراین، تعبیر «حکّی الی» کرده و با این تعبیر بیان داشته که خود منبع را به صورت مستقیم در اختیار نداشته است؛ اما ابن صباغ همان مطلب را طوری نوشته که گمان می رود خود کتاب را دیده است.

مطالب السؤل کمال الدین بن طلحه شافعی (م. ۶۵۲). ابن صباغ از این کتاب، دوازده مورد نقل می کند که این موارد همه در کشف الغمّه موجود است.^۱ یاد کرد ابن صباغ از کمال الدین بن طلحه به همان صورتی است که اربلی یاد می کند؛ یعنی نام کتاب وی ذکر نمی شود و تنها به نام نویسنده اکتفا می گردد. در دو مورد، ابن صباغ مطالبی را از کمال الدین نقل می کند که این موارد در کتاب کشف الغمّه نیست. این موارد عبارت اند از: زمان ولادت و رحلت فاطمهی زهرا^(س)^۲ که ابن صباغ نظر کمال الدین را در این دو مورد نقل می کند؛ اما در کشف الغمّه نظرات افراد دیگری در این زمینه منعکس شده است. با این حساب می توان به این نتیجه رسید که ابن صباغ مالکی، کتاب مطالب السؤل را در دست داشته است و یا مطالب را با استفاده از کتاب دیگری، غیر از کشف الغمّه، نقل کرده است.

المناقب موفق بن احمد خوارزمی (م. ۵۶۸ هـ.ق). در فصول المهمّه نه مورد از مناقب خوارزمی نقل شده است. که هشت مورد آن عیناً در کشف الغمّه موجود است و تعابیر به کار رفته نیز نشان می دهد که ابن صباغ مطالب را از کشف الغمّه برداشت کرده است. نمونه ی آن، موردی است که اربلی یکی از اسناد خوارزمی را بریده و تنها فرد آخر سند را ذکر کرده و در باره سند، اظهار نظر نموده و آن را «مرفوع» دانسته است. در فصول المهمّه نیز مطالب به همان صورت آمده و در باره ی سند، همان گونه اظهار نظر شده که نشان می دهد، ابن صباغ مطالب را با استفاده از کشف الغمّه نقل کرده است.^۳ در مورد دیگر، اربلی، پس از نقل مطلبی از خوارزمی می نویسد: کذا ذکره ضیاء الدین ابو المؤید موفق بن احمد الخوارزمی فی کتابه المناقب،^۴ ابن صباغ نیز، پس از نقل همان مطلب، عیناً همان جمله و تعابیری را که اربلی به کار برده مورد استفاده قرار داده است.^۵

۱ همان، ج ۲، ص ۶۹۲، ۷۴۶، ۷۵۵، ۷۶۴، ۷۶۷، ۷۷۰، ۸۰۹، ۸۵۱، ۹۶۵، ۱۰۴۰، ۱۰۶۵، ۱۰۸۱. مقایسه کنید با: اربلی، همان، ج ۱، ص ۵۱۷، ۵۷۵؛ ج ۲، ص ۴، ۱۶، ۲۳، ۲۶، ۴۵، ۳۹، ۲۵۹، ۳۴۵، ۳۴۷، ۴۰۲.

۲ ابن صباغ مالکی، همان، ج ۱، ص ۶۵۱ و ج ۲، ص ۶۶۶؛ مقایسه شود با: کمال الدین محمد بن طلحه شافعی (۱۴۲۰)، مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول، تحقیق ماجد بن احمد العطیه، بیروت: مؤسسة ام القری، ص ۴۵، ۵۱.

۳ ابن صباغ مالکی، همان، ج ۱، ص ۶۳۸؛ اربلی، همان، ج ۱، ص ۴۳۴؛ و مقایسه کنید با موفق بن احمد خوارزمی (۱۴۱۱)، المناقب، تحقیق مالک المحمودی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ص ۳۸۹.

۴ اربلی، همان، ج ۱، ص ۶۴.

۵ ابن صباغ مالکی، همان، ج ۱، ص ۱۷۰.

ابن صباغ شعری از خوارزمی در باره‌ی امام علی^(ع) نقل کرده،^۱ که آن شعر در المناقب خوارزمی موجود است، اما در کشف الغمّه نیست.^۲ شعر یاد شده و مطالب قبل و بعد از آن عیناً در کتاب دیگری، با عنوان نظم درر السمطين، نوشته‌ی زرنندی موجود است؛^۳ و ابن صباغ به همان ترتیبی که زرنندی مطالب را نقل کرده، در کتاب الفصول المهمّه، همان مطالب را آورده است. بنابراین، منبع اصلی وی، نه المناقب خوارزمی، بلکه نظم درر السمطين بوده است.

مواردی که ابن صباغ مالکی از کتاب‌های زیر نقل کرده است، همه در کشف الغمّه به همان صورت یافت می‌شود: مولید اهل البيت ابن خَشَّاب،^۴ شرح السنه‌ی بَغَوی،^۵ کفایه الطالب گنجی شافعی (م. ۶۵۸هـ)،^۶ سنن ترمذی،^۷ صحیح مسلم،^۸ خصائص نسائی،^۹ سیره‌ی محمد بن اسحاق،^{۱۰} مغازی واقفی،^{۱۱} طبقات ابن سعد،^{۱۲} نثر الدرّ آبی،^{۱۳} الخرائج والجرائح،^{۱۴} کتاب الاکل،^{۱۵} دلائل حمیری،^{۱۶} الفردوس ابن شیرویه،^{۱۷} عیون اخبار الرضا،^{۱۸} تذکره‌ی ابن حمدون؛^{۱۹} تفسیر ابواسحاق ثعلبی.^{۲۰}

۱ ابن صباغ مالکی، همان، ج ۱، ص ۳۲۶.

۲ خوارزمی، همان، ص ۳۸.

۳ جمال الدین محمد بن یوسف زرنندی حنفی (۱۴۲۵)، نظم درر السمطين فی فضائل المصطفى و البتول و السبطین، تحقیق علی عاشور، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ص ۱۵۴.

۴ نک: ابن صباغ مالکی، همان، ج ۲، صص ۷۴۴، ۱۰۳۱، ۱۰۶۳، ۱۱۰۲؛ و مقایسه کنید با: اربلی، همان، ج ۱، ص ۵۷۶؛ ج ۲، صص ۲۶۷، ۲۸۴، ۴۷۵.

۵ نک: ابن صباغ مالکی، همان، ج ۲، صص ۷۶۰، ۱۱۰۹؛ ج ۱، صص ۵۴، ۱۵۹؛ و مقایسه کنید با: اربلی، همان، ج ۲، صص ۶۰، ۴۳۸؛ ج ۱، صص ۱۲۲، ۵۴.

۶ نک: ابن صباغ مالکی، همان، ج ۱، ص ۵۹۰؛ و مقایسه کنید با: اربلی، همان، ج ۱، ص ۱۰۹.

۷ نک: ابن صباغ مالکی، همان، ج ۲، ص ۱۱۰۹؛ و مقایسه کنید با: اربلی، همان، ج ۲، ص ۴۳۸.

۸ نک: ابن صباغ مالکی، همان، ج ۲، ص ۱۱۱۵؛ و مقایسه کنید با: اربلی، همان، ج ۲، ص ۴۸۳.

۹ نک: ابن صباغ مالکی، همان، ج ۱، ص ۵۸۹؛ ج ۲، ص ۷۰۱؛ و مقایسه کنید با: اربلی، همان، ج ۱، صص ۸۶، ۵۲۱.

۱۰ نک: ابن صباغ مالکی، همان، ج ۱، صص ۳۳۰، ۶۶۷؛ ج ۲، ص ۸۶۱؛ و مقایسه کنید با: اربلی، همان، ج ۱، صص ۱۹۶، ۵۱۱؛ ج ۲، ص ۷۷.

۱۱ نک: ابن صباغ مالکی، همان، ج ۱، ص ۳۲۹؛ و مقایسه کنید با: اربلی، همان، ج ۱، ص ۱۸۸.

۱۲ نک: ابن صباغ مالکی، همان، ج ۱، ص ۶۷۶؛ ج ۲، ص ۸۷۴؛ و مقایسه کنید با: اربلی، همان، ج ۱، ص ۵۱۳؛ ج ۲، ص ۸۹.

۱۳ نک: ابن صباغ مالکی، همان، ج ۲، صص ۸۶۶، ۸۹۵، ۹۴۵، ۹۹۹؛ و مقایسه کنید با: اربلی، همان، ج ۲، ص ۱۰۶؛ ج ۲، ص ۱۴۸؛ ج ۲، ص ۲۵۰؛ ج ۲، ص ۳۰۶.

۱۴ نک: ابن صباغ مالکی، همان، ج ۲، صص ۸۹۷، ۸۹۵؛ و مقایسه کنید با: اربلی، همان، ج ۲، ص ۱۴۷.

۱۵ نک: ابن صباغ مالکی، همان، ج ۱، صص ۱۴۸، ۵۹۲؛ و مقایسه کنید با: اربلی، همان، ج ۱، صص ۹۱، ۹۲.

۱۶ نک: ابن صباغ مالکی، همان، ج ۲، صص ۸۹۸، ۹۴۵؛ و مقایسه کنید با: اربلی، همان، ج ۲، صص ۲۳۸، ۱۳۷.

۱۷ نک: ابن صباغ مالکی، همان، ج ۱، ص ۱۴۳؛ ج ۲، ص ۱۱۰۸؛ و مقایسه کنید با: اربلی، همان، ج ۱، ص ۵۲؛ ج ۲، ص ۴۸۱.

۱۸ نک: ابن صباغ مالکی، همان، ج ۲، ص ۱۰۰۰؛ و مقایسه کنید با: اربلی، همان، ج ۲، ص ۲۸۴.

۱۹ نک: ابن صباغ مالکی، همان، ج ۲، ص ۱۰۵۱؛ و مقایسه کنید با: اربلی، همان، ج ۲، ص ۳۶۸.

۲۰ نک: ابن صباغ مالکی، همان، ج ۱، صص ۱۸۷، ۲۴۳، ۵۷۹؛ ج ۲، ص ۸۸۴؛ و مقایسه کنید با: اربلی، همان، ج ۱، صص ۸۶، ۱۶۶؛ ج ۲، صص ۱۱۹، ۴۳۸.

منابع مستقیم و بدون واسطه‌ی ابن صَبَّاح

برخی از منابع مورد استفاده‌ی ابن صَبَّاح، در کشف الغمّه موجود نیست و به نظر می‌رسد به این کتاب‌ها مستقیماً مراجعه کرده است. این موارد به شرح زیر است:

اسباب النزول واحدی (م. ۴۶۸ هـ.ق)؛ [نظم] دُرَر السمطین زرنندی (م. ۷۵۰ هـ.ق)؛ النریة الطاهره‌ی دولابی (م. ۳۱۰ هـ.ق)؛ شرح مقامات حریری، نوشته‌ی أبو عبدالله محمد بن عبدالرحمن البنجیدی (م. ۵۸۴ هـ.ق)؛ صحیح بخاری (م. ۲۵۶ هـ.ق)، طبقات الشافعیة الکبری از عبدالوهاب سبکی (م. ۷۷۱ هـ.ق)؛ الفتوح ابن اعثم (م. حدود ۳۱۴ هـ.ق)؛ کتاب المرهم نوشته‌ی عبدالله بن اسعدیافعی (م. ۷۶۸ هـ.ق)؛ کتاب الموجز فی فضل الخلفاء الاربعه، نوشته‌ی ابوالفتوح اسعد بن ابی الفضائل بن خلف عجل؛ مستدرک حاکم نیشابوری (م. ۴۰۵ هـ.ق)؛ مسند ابوداود طیالسی (م. ۲۰۴ هـ.ق)؛ مسند احمد بن حنبل (م. ۲۴۱ هـ.ق)؛ المعارف ابن قتیبه (م. ۲۷۶ هـ.ق)؛ مناقب ابوالمعالی فقیه مالکی؛ مناقب الامام الشافعی نوشته‌ی ابوبکر بیهقی (م. ۴۵۸ هـ.ق).

جایگاه کتاب

کتاب الفصول المهمّة مورد استفاده‌ی نویسندگان بعدی قرار گرفته و از آن مطالبی نقل کرده‌اند. نویسندگان سنی که از این کتاب بهره برده‌اند، عبارت‌اند از: سخاوی (م. ۹۰۲ هـ.ق)، که شاگرد مؤلف بوده است در الضوء اللامع؛^۱ سمهودی شافعی (م. ۹۱۱ هـ.ق)، در جواهر العقدين؛^۲ علی بن - ابراهیم حلبی شافعی (م. ۱۰۴۴ هـ.ق)، در السیرة الحلبیه؛^۳ محمد بن علی الصبّان (م. ۱۲۰۶ هـ.ق)، در اسعاف الراغیین؛ قندوزی (م. ۱۲۹۴ هـ.ق)، در ینابیع المودّة؛^۴ شبلنجی (م. بعد ۱۳۰۸ هـ.ق)، در نور - الابصار.^۵

از بین نویسندگان شیعی نیز، حرّعاملی (م. ۱۱۰۴ هـ.ق) این کتاب را از منابع بدون واسطه‌ی خویش بر شمرده و مواردی از آن را نقل کرده است.^۶ سید هاشم بحرانی (م. ۱۱۰۷ هـ.ق) در غایه -

۱ سخاوی، همان، ج ۵، ص ۲۸۳.

۲ علی بن عبد الله سمهودی (۱۴۰۵)، جواهر العقدين فی فضل الشرفین، بغداد: مطبعة العانی، ج ۲، ص ۲۲۵.

۳ ابو الفرج علی بن ابراهیم حلبی (۱۴۲۷)، السیرة الحلبیه، ج ۲، بیروت: دار الکتب العلمیه، صص ۲۰۵، ۲۱۲، ۲۱۹.

۴ ابراهیم بن سلیمان قندوزی (۱۴۲۲)، ینابیع المودّة لذوی القری، قم: اسوه، ج ۱، صص ۲۷۷، ۳۵۹؛ ج ۲، صص ۳۴۸/۳، ۳۵۹.

۵ مومن بن حسن شبلنجی [بی تا]، نور الابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار، قم: منشورات الشریف الرضی، صص ۱۵۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۹۸.

۶ محمد بن حسن حرّعاملی (۱۴۲۵)، اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، بیروت: مؤسسة الاعلمی، ج ۱، ص ۵۴.

المرام مواردی از این کتاب را نقل کرده است؛^۱ مجلسی (م. ۱۱۱۱ ه.ق) در بحار الانوار این کتاب را از منابع خویش نام برده^۲ و پنجاه بار در جاهای مختلف بحار از آن مطلب نقل کرده است. چنان که در کتاب دیگرش، با عنوان حق‌الیقین، از این کتاب مواردی را نقل می‌کند.^۳ نویسندگان متأخر شیعی، مانند میر حامد حسین (م. ۱۳۰۶ ه.ق) در عقبات الانوار، امینی در الغدير و مرعشی-نجفی در مآخذ احقاق الحق، از این کتاب به صورت گسترده بهره برده‌اند.

عبدالعزیز طباطبائی ۳۷ نسخه‌ی خطی برای کتاب برشمرده که این تعداد حاکی از رواج کتاب مذکور است. الفصول الممهّده ی ابن صباغ توسط محمد اعجاز حسن پاکستانی، به زبان اردو ترجمه شده است.^۴

نتیجه

اخذ و اقتباس و وام‌داری منابع از یکدیگر، امری رایج و مرسوم بوده و این رسم در کتاب کشف‌الغمّه‌ی اربلی (م. ۶۹۲ ه.ق)، که به وفور از منابع اهل سنت استفاده کرده و به صراحت و با امانت از منابع خویش یاد نموده، آشکار است. اما چنین راهی در کتاب الفصول الممهّده ی ابن صباغ مالکی (م. ۸۵۵ ه.ق) پیموده نشده و او، علی‌رغم استفاده‌ی گسترده از کشف‌الغمّه، منبع اصلی مورد مراجعه خویش را پنهان داشته است. با توجه به بررسی منابع ابن صباغ مالکی، به نظر می‌رسد حجم مطالب منقول از کشف‌الغمّه در کتاب الفصول الممهّده، حدود هشتاد درصد مطالب کتاب باشد. علت این که ابن صباغ منبع اصلی خویش را پوشیده داشته است، نمی‌تواند فرار از اتهام رفض و شیعی‌گری باشد، زیرا ابن صباغ، از منابع شیعی اربلی به کرات یاد کرده است؛ شاید او تمایل داشته است این مطالب از زبان و به قلم فردی که مذهب سنی دارد، نقل شود، تا کتاب در میان اهل سنت موقعیت مناسب‌تری یابد و مورد قبول ایشان قرار گیرد.

۱ سید هاشم بحرانی (۱۴۲۲)، غایة المرام و حجة الخصام، تحقیق سید علی عاشور، ج ۱، بیروت: مؤسسة التاريخ العربی، صص ۵۲، ۱۶۴، ۲۹۸، ۳۰۳، و موارد دیگر.

۲ محمد باقر مجلسی (۱۳۶۲)، بحار الانوار، ج ۱، طهران: دار الکتب الاسلامیه، ص ۲۵.

۳ محمد باقر مجلسی [بی‌تا]، حق‌الیقین، طهران: دار الکتب الاسلامیه، صص ۱۳۱، ۲۸۷.

۴ طباطبائی، همان، ص ۳۴۸.

منابع

- ابن صباغ مالکی، علی بن محمد (۱۴۲۲)، *الفصول المہمّہ فی معرفۃ الائمہ*، تحقیق سامی الغریبی، قم: دار الحديث.
- اربلی، علی بن عیسی (۱۴۲۱)، *کشف الغمّه فی معرفۃ الائمہ*، تحقیق سید احمد الحسینی، قم: منشورات شریف رضی.
- بحرانی، سیدہاشم (۱۴۲۲)، *غایۃ المرام و حجتہ الخصام*، تحقیق سید علی عاشور، بیروت: مؤسسۃ التّاریخ العربی.
- جہانبخش، جويا (۱۳۸۱)، «تألیفی رنگ آمیز و تصحیحی شوق انگیز»، *مجله ی آئینہ میراث*، ش ۱۸ و ۱۹.
- حاجی خلیفہ، مصطفی بن عبد اللہ [بی تا]، *کشف الظنون*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۵)، *اثبات الہدایۃ بالنصوص و المعجزات*، بیروت: مؤسسۃ الاعلمی.
- حلبی، ابوالفرج علی بن ابراہیم (۱۴۲۷)، *السیرۃ الحلبيہ*، بیروت: دار الکتب العلمیہ.
- خوارزمی، موفق بن احمد (۱۴۱۱)، *المناقب*، تحقیق مالک المحمودی، قم: مؤسسۃ النشر الاسلامی.
- زرنندی حنفی، جمال الدین محمد بن یوسف (۱۴۲۵)، *نظم درر السمطین فی فضائل المصطفی و التّبول و السبطین*، تحقیق علی عاشور، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- سخاوی، شمس الدین محمد، [بی تا]، *الضوء اللامع لاهل القرن التاسع*، بیروت: دار مکتبۃ الحیاء.
- سمہودی، علی بن عبد اللہ (۱۴۰۵)، *جواهر العقدين فی فضل الشرفین*، بغداد: مطبعۃ العانی.
- شافعی، کمال الدین محمد بن طلحہ (۱۴۲۰)، *مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول*، تحقیق ماجد بن احمد العطیہ، بیروت: مؤسسۃ ام القری.
- شبلنجی، مؤمن بن حسن [بی تا]، *نور الأبصار فی مناقب آل بیت النبی المختار*، قم: منشورات الشریف الرضی.
- طباطبائی، عبد العزیز (۱۴۱۷)، *اهل البيت فی المکتبۃ العربیہ*، قم: آل البيت.
- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۴۱۷)، *اعلام الوری باعلام الہدی*، قم: آل البيت.
- عبدالمحمّدی، حسین (۱۳۸۲)، «نقد و ارزیابی کتاب *الفصول المہمّہ فی معرفۃ الائمہ*»، *مجله ی تاریخ در آئینہ ی پژوهش*، ش ۳.
- قندوزی، ابراہیم بن سلیمان (۱۴۲۲)، *ینایع المودۃ لدوی القری*، قم: اسوہ.
- کحالہ، عمر رضا (۱۴۰۹)، *معجم المؤلفین*، بیروت: دار احیاء التراث.
- مجلسی، محمدباقر [بی تا]، *حقّیقین*، طهران: دار الکتب الاسلامیہ.
- ----- (۱۳۶۲)، *بحار الانوار*، طهران: دار الکتب الاسلامیہ.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳)، *الارشاد فی معرفۃ حجج اللہ علی العباد*، قم: کنگرہ ی شیخ مفید.

